

گزیده نکات زبان فارسی «دستور تاریخی ۲»

ویژگی‌های «فعل» در متون گذشته

در ادامه‌ی مرور مبحث دستور تاریخی، در این بخش، ویژگی‌های فعل در متون گذشته را بررسی می‌کنیم. برای این که بتوانید ساختمان افعال را در متون تاریخی تشخیص دهید، باید ابتدا متن را معنا کنید، چرا که ممکن است ظاهر یک فعل شما را به اشتباه بیندازد؛ خصوصاً این که ساخت افعال در دستور تاریخی بسیار شبیه هم است و روش اصلی تشخیص درست ساختمان افعال، معنا کردن متن است.

شیوه‌های ساخت افعال قدیمی را به صورت مختصر مرور می‌کنیم و سپس به بررسی مثال‌های گوناگون در این زمینه می‌پردازیم. (خواندن متن درس نوزدهم و بررسی مثال‌های داخل کتاب را به شما دوستان پرتلاش واگذار می‌کنیم!!!)

ماضی استمراری

ما به فلک می‌رویم عزم تماشای که راست؟	می + ماضی + ساده
وی پاره‌ای حلوا بدو دادی.	همی + ماضی ساده
دو برادر یکی خدمت سلطان کردی.	ماضی ساده + ی
مادر ابراهیم هر روز او را شیر همی دادی.	همی / می / ب- + ماضی ساده + ی

ماضی نقلی

زان مه که نمودستی، زان راز که گفتستی	بن ماضی + ستم / ستی / است / ستیم / ستید / ستند
سری به خاک فرو برده‌ام به داغ جگر	صفت مفعولی + ام / ای / است / ایم / اید / اند

مضارع اخباری

من به سوی باغ و گلشن می‌روم	می + بن مضارع + شناسه
خرد خام گفتارها را پزد	بن مضارع + شناسه
بگویم بدو آن چه گفتن سزد	ب + بن مضارع + شناسه
نه آن چه بگویم همی‌بدانم	همی / می + ب + بن مضارع + شناسه
از بس که همی‌جویم دیدار فلان را	همی + بن مضارع + شناسه

مضارع التزامی

ای وای من ار من ز غم عشق بمیرم	ب + بن مضارع + شناسه
زان پیش که سبزه بردمد از خاکت	بن مضارع + شناسه
رها کن تا تو را می‌بینم از دور	می + بن مضارع + شناسه

فعل امر

بزن جنگ و بیداد را بر زمین	فعل امر معمولی آن گونه که امروزه به کار می‌رود.
ای مطرب صاحب‌نظر این پرده می‌زن تا سحر	می + فعل امر

فعل آینده

من چه دانم که کجا خواهم فتاد	فعل آینده آن گونه که امروزه به کار می‌رود.
این لفظ که من گفتم و خواهم گفتن	گاهی به جای مصدر مرخم از مصدر کامل استفاده می‌شده است.

فعل دعایی

بر بساطت منشیناد بر این توده ی خاک	بن مضارع + ا + شناسه
کم بیندا جز من کسی آن روی شهرآرای تو	بن مضارع + ا + شناسه + ا
یاد باد آن که سر کوی توام منزل بود	از فعل دعایی بودن (بود)، «و» را حذف می‌کردند.
مبادا به جز داد و نیکی گمان	از فعل دعایی بودن (بود)، «و» را حذف می‌کردند و به آخر آن، تکواژ «ا» می‌افزودند.

شیوه ی طرح سوال از این مبحث در کنکور سراسری:

معمولاً در کنکور از شما می‌خواهند که تشخیص دهید در کدام بیت، یکی از افعال فوق‌الذکر وجود دارد (یا ندارد)؟ که معمولاً افعال ماضی یا مضارع هستند.

کنکوری‌های عزیز! با توجه به فرصت کمی که پیش رو دارید، شاید دیدن این جدول‌ها برایتان چندان خوش آیند نباشد؛ اما نگران نباشید! بهترین راه برای تشخیص نوع فعل **معنا کردن بیت** است. یعنی شما حتی اگر این درس را اصلاً نخوانده باشید، جای نگرانی نیست؛ کافی است کمی صبر و حوصله به خرج دهید و بیت داده شده را به دقت معنا کنید. آن‌گاه به راحتی خواهید توانست سوال را جواب دهید. پس اگر از این قسمت در کنکور سوالی مطرح شد، حتماً آن را بخوانید و نخوانده رهاش نکنید!!

در مثال‌هایی که در ادامه خواهید خواند، می‌بینید که مشخص کردن نوع فعل، آن‌قدرها هم که شما فکر می‌کنید، دشوار نیست!!!

در ادامه، مثال‌هایی را با هم در این زمینه با هم مرور می‌کنیم:

«مثال‌ها»

(۱) می‌خور که ز دل قلت و کثرت **ببرد** / و اندیشه‌ی هفتاد و دو ملت **ببرد**

خور: **فعل امر (بخور)**

ببرد (در هر دو مصراع): «ببرد» هم می‌تواند مضارع التزامی باشد و هم مضارع اخباری پس باید بیت را معنی کنیم: می‌بخور که قلت و کثرت را می‌برد / و اندیشه‌ی هفتاد و دو ملت را می‌برد؛ پس **ببرد مضارع اخباری** است.

(۲) از آن خویشی **کند** با تو دل بیخود که در پرده / تو را رخ‌هاست کان رخ‌ها به غیر خویش **نمایی**

معنی بیت: دل با تو خویشی می‌کند (**مضارع اخباری**)؛ چون رخ‌هایی داری (تو را رخ‌هاست) که آن‌ها را به غیر از خودت، نمی‌نمایی = نشان نمی‌دهی (**مضارع اخباری**)

(۳) سیاوش بدو **گفت** هرگز **مباد** / که از بهر دل سر **دهم** من به باد

گفت: **ماضی ساده / مباد: فعل آینده**

مصراع دوم: به خاطر دل سر را به باد **بدهم**. (**مضارع التزامی**)

(۴) **دانی** تو که چه مایه رنج **بینم** / تا نظمی و نثری به تو **رسانم**

تو می‌دانی (**مضارع اخباری**) که چه مایه رنج می‌بینم (**مضارع اخباری**) / تا نظم و نثری را به تو برسانم (**مضارع التزامی**)

(۵) حلقه بهر دام خودبینی **مساز** / آن‌چه **بردستی** به نادانی **مباز**

مباز و مساز: **فعل امر / بردستی (برده‌ای): ماضی نقلی**

(۶) اگر با تو گردون **نشیند** به راز / هم از گردش او **نیابی** جواز

اگر گردون با تو هم بنشیند (**مضارع التزامی**)، از گردش او جواز نمی‌یابی (**مضارع اخباری**)

۷) به دشمن **همی ماند** و هم به دوست / گهی مغز **یابی** از او گاه پوست

هم به دشمن **می ماند** (مضارع اخباری) و هم به دوست / گاهی از او مغز **می یابی** (مضارع اخباری) و گاهی پوست

۸) گر سوی مصرت **بردمی**، خون زلیخا **خوردمی** / زندان یوسف **کردمی** چاه زرخدان تو را

اگر تو را سوی مصر **می بردم** (ماضی استمراری)، خون زلیخا را **می خوردم** (ماضی استمراری) / چاه زرخدان تو را زندان یوسف **می کردم** (ماضی استمراری)

۹) عالم همه پرمایده‌ی انعام **است** / تو گرسنه و تشنه **بخواهی مردن**

است: **ماضی ساده** / **بخواهی مردن** (خواهی مرد): **فعل آینده**

۱۰) **نجستی** به جز کژی و کاستی / **نکردی** به بخشش درون راستی

پیروز و موفق باشید

نجستی و نکردی: ماضی استمراری

رویا رحمانی؛ رتبه‌ی ۹ کنکور سراسری سال ۸۹